

خود آموز

ترکی استانبولی

(مکالمہ - دستور)

ارسالان فصیحی



فصیحی، ارسلان، ۱۳۴۰ -

خودآموز ترکی استانبولی (مکالمه - دستور) / ارسلان فصیحی - تهران:
ققنوس، ۱۳۷۵.

ISBN: 978-964-311-081-9 [۳۲۸] ص: مصور، جدول.

فهرست نویسی بر اساس اطلاعات فیبا (فهرست نویسی پیش از انتشار).

پشت جلد به ترکی: Arslan Fasihi

İranlılar için Türkçe (Günlük Konu 1 ma-Dilbilgisi).

کتابنامه: ص. [۳۲۸].

۱. زبان ترکی - مکالمه و جمله سازی - فارسی. ۲. زبان ترکی - خودآموز.

۳. زبان ترکی - دستور. الف. عنوان.

۴۹۴/۳۵۸۲۴ فا

۹ خ ۶ ف / ۱۲۷ PL

۷۵-۵۸۴۸ م

کتابخانه ملی ایران



انتشارات ققنوس

خیابان انقلاب، خیابان فروردین، خیابان نظری،

نیش جاوید ۲، تلفن ۶۶۴۰۸۶۴۰

خودآموز ترکی استانبولی

ارسلان فصیحی

چاپ چهاردهم

۱۰۰۰ نسخه

۱۴۰۴

چاپ سروش

حق چاپ محفوظ است

شابک: ۹ - ۰۸۱ - ۳۱۱ - ۹۶۴ - ۹۷۸

ISBN: 978-964-311-081-9

www.qoqnoos.ir

Printed in Iran

۳۵۰۰۰۰ تومان

فهرست

پیشگفتار ۷

مقدمه ۹

بخش یکم: مبانی

۱. الفبای ترکی ۱۵

حروف مصوت ۱۹

حروف صامت ۲۳

۲. قانون هماهنگی اصوات ۲۷

گروه‌بندی مصوتها ۲۷

هماهنگی مصوتها ۲۸

گروه‌بندی صامتها ۲۹

هماهنگی صامتها ۳۰

۳. پدیده‌های آوایی ۳۵

۴. آداب مکالمه در زبان ترکی ۳۹

۵. تصریف اسم ۴۷

پسوندهای جمع ۴۷

پسوندهای منسوبیت ۴۸

پسوندهای مالکیت ۴۹

پسوندهای حالت ۵۰

پسوندهای پرسشی ۵۲

۶. ضمائر ۵۵
۷. اعداد ۶۳

بخش دوم: دروس اصلی

۸. آشنایی ۶۷
- مصدر ۶۹
- پسوندهای شخصی ۷۰
- زمان حال ۷۱
- حالت‌های اسم ۷۵
۹. در ایستگاه راه آهن ۷۹
- فعل اسم "imek" (بودن) ۸۱
- پسوندهای امری ۸۵
- پسوند جمع ۸۶
۱۰. آقای اُکتای ۹۷
- ساعت ۹۸
۱۱. در میوه‌فروشی ۱۰۳
- ترکیب‌های اضافی ۱۰۴
- ترکیب‌های وصفی ۱۰۶
۱۲. در قطار ۱۱۱
- واژه‌های "var" و "yok" ۱۱۳
- حرف اضافه "ile" ۱۱۴
۱۳. استقبال ۱۲۵
- حرف اضافه "da"، "de" ۱۲۷
- پسوندهای منسوبیت ۱۲۸
- زمان گذشته ساده ۱۳۰
- زمان گذشته ساده فعل اسم (imek) ۱۳۲

۱۳۴	حالت وابستگی اسم
۱۳۴	حالت مفعولی اسم
۱۴۳	۱۴. صبحانه
۱۴۶	فعل "yapmak"
۱۴۸	زمان آینده
۱۵۹	۱۵. در مطب
۱۶۳	پسوندهای حالت‌های اسم
۱۶۶	حالت همانندی اسم و ضمیر
۱۷۹	۱۶. در دانشکده
۱۸۲	صفت تفضیلی (برتر)
۱۸۲	صفت عالی (برترین)
۱۸۲	پسوند "li"
۱۸۳	پسوند "lik"
۱۸۵	حالت التزامی فعل (istek kipi)
۱۹۷	۱۷. یک دیدار
۲۰۱	حروف پیوندی
۲۰۲	زمان گسترده فعل (geniş zaman)
۲۱۹	۱۸. در پستخانه
۲۲۲	ترتیب کلمات در جمله
۲۲۳	پیوند فعلی
۲۲۵	نقل قول مستقیم
۲۴۱	۱۹. در بانک
۲۴۳	ضرب‌المثلاً
۲۴۳	انواع فعل
۲۶۱	۲۰. در دفتر تورسم
۲۶۴	قید همانندی "kadar"

۲۱. در هتل ۲۷۷
- پسوند _arak (_erek) ۲۸۰
- پسوند صفت ساز (_li) ۲۸۱
- ضرب المثلها ۲۸۲
۲۲. در رستوران ۲۹۱
- صفات تأکیدی ۲۹۴
- ترکیب قیدی « _den (_dan) beri » ۲۹۶
۲۳. در فروشگاه پوشاک ۳۰۱
- حالت شرطی فعل ۳۰۵
۲۴. بازگشت از کار ۳۱۳
- ماضی نقلی ۳۱۵

پیشگفتار

زبان مهمترین و اساسیترین وسیلهٔ ایجاد ارتباط بین انسانهاست، همچنین وسیلهٔ پیشرفت اندیشه و انتقال سنی فرهنگی - تاریخی است. فراگیری هر زبانی به فراگیرنده این امکان را می‌دهد که با ایجاد ارتباط با گویندگان آن زبان و بهره‌گیری از منابع و امکانات موجود در آن به گستره‌ای نوین از ارتباطات بشری وارد شود.

آموزش زبان را می‌توان به ساختن بنا تشبیه کرد. بنای استوار نیازمند پایه‌ای مستحکم است و هر سنگ بنایی باید بدرستی کار گذاشته شود. طبقات بنا نیز به ترتیب، یکی پس از دیگری ساخته می‌شوند. در آموزش زبان نیز ابتدا باید پایه و مبانی آن را آموخت و پس از اطمینان از فراگیری کامل مبانی به آموختن ساختارهای دیگر پرداخت.

کتابی که در دست دارید با توجه به اندیشه‌های پیش گفته و برای پر کردن خلأ موجود در زمینهٔ آموزشی علمی و روشمند زبان ترکی به رشته تحریر درآمده است.

در کتاب کوشش شده است که نخست پایه‌ها و مبانی آموزش داده شوند و پس از اطمینان از استحکام آنها به آموزش سایر زمینه‌ها پرداخته شود. کتاب از دو بخش تشکیل شده است: بخش یکم، که تا فصل هفتم را دربر می‌گیرد، شامل فونولوژی (آموزش الفبا، گروه‌بندی حروف، قوانین آوایی و...) و نیز مبانی دستوری است؛ که به فراگیرندگان اکیداً توصیه می‌شود این بخش را با دقت و درستی بیاموزند. در بخش دوم، که از فصل هشتم تا پایان کتاب را شامل می‌شود، نخست متنی بر اساس مکالمهٔ روزمره آورده شده است و پس از آن نکات دستوری ضروری برای درک متنها توضیح داده شده‌اند. ترجمه متنها در حد امکان به صورت تحت‌اللفظی است تا فراگیرنده معنی مستقل هر واژه را نیز بیاموزد. در پایان هر فصل تمرینهایی نیز داده شده است که به کمک آنها هم روند یادگیری بهتر و سریعتر می‌شود و هم نکات مکالمه‌ای جدید آموخته می‌شوند.

مقدمه

زبان ترکی زبان رسمی جمهوری ترکیه است. علاوه بر ترکیه در کشورهای بالکان (بلغارستان، یوگسلاوی، رومانی و یونان) و در بخش شمالی جزیره قبرس نیز ترک‌زبانان ساکن هستند. در کشورهای آلمان، اتریش، بلژیک و فرانسه نیز اقلیتهای ترک زندگی می‌کنند. در حال حاضر حدود ۸۰ میلیون نفر در سطح جهان به این زبان تکلم می‌کنند.

در ایران برای متمایز ساختن زبان ترکی از دیگر زبانها و لهجه‌های ترکی آن را «ترکی استانبولی» می‌نامند که این نامگذاری با اصول علمی زبان‌شناسی منطبق نیست. هم‌اکنون در جهان بیش از ۲۵ زبان عضو خانوادهٔ زبانهای ترکی وجود دارد که همگی نام خاص خود را دارند؛ مانند: آذربایجانی، ترکمنی، ازبکی، و غیره. براساس تقسیم‌بندی علمی زبان‌شناسی، نام «ترکی» فقط به زبان ترکی رایج در ترکیه اطلاق می‌شود و بر این اساس اضافه کردن کلمهٔ «استانبولی» به آن نه ضروری است، نه صحیح. با این حال چنین به نظر می‌رسد که تا زمانی که این تقسیم‌بندی علمی جای خود را در جامعه بیابد، در بیشتر مواقع بناچار باید از کلمهٔ «استانبولی» استفاده شود.

زبان ترکی از لحاظ شجره‌ای جزو گروه اوغوز^۱ از خانوادهٔ زبانهای ترکی است و از لحاظ مورفولوژی (صرفی) جزو زبانهای التصاقی محسوب می‌شود. (زبان التصاقی به زبانی گفته می‌شود که در آن تصریف افعال و ساخت حالت‌های اسم و کلمات جدید تنها با افزودن پسوند به ریشهٔ کلمه صورت می‌گیرد و ریشه دچار دگرگونی نمی‌شود.) در گروه اوغوز زبانهای ترکی علاوه بر زبان ترکی زبانهای آذربایجانی، ترکمنی و قاقااوی (در رومانی و مولداوی) نیز قرار دارند. این زبانها به این دلیل در یک گروه قرار داده شده‌اند که هم واژگان بنیادی آنها تا حد بسیار زیادی مشترک است و هم از لحاظ دستوری وجوه اشتراک فراوانی دارند. از این‌روست که مثلاً آذربایجانیها و ترکهای ترکیه می‌توانند هنگام سخن

گفتن منظور یکدیگر را تا حد نسبتاً زیادی درک کنند.

زبان ادبی امروزی ترکی در فرایند تکامل خود راهی طولانی و بغرنج پیموده است. طوایف اوغوز - سلجوق که در قرون دهم و یازدهم میلادی از آسیای میانه به شبه جزیره آناتولی آمدند، در آنجا ابتدا حکومت سلجوقی را بنیاد نهادند (قرن دوازدهم میلادی) و سپس در قرن چهاردهم حکومت عثمانی و بعدها در قرون پانزدهم و شانزدهم امپراتوری عثمانی را تشکیل دادند. در این روند چند صد ساله، زبان این طوایف نیز در نتیجه دادوستد وازگانی و تأثیر و تأثر متقابل با سایر زبانها دچار دگرگونی گشت.

زبان ترکی، مانند هر زبان دیگری، در طول تاریخ تحت تأثیر زبانهای مختلف قرار گرفته است؛ پس از اسلام آوردن ترکها زبان ایشان تحت تأثیر زبان عربی و پس از اسکان طوایف سلجوقی در ایران تحت تأثیر زبان فارسی قرار گرفت و بدین ترتیب در گنجینه واژگان آن کلمات عربی و فارسی رو به فزونی نهاد. تحت تأثیر زبان عربی، که در آن هنگام زبان دین و علم به شمار می‌رفت، و زبان فارسی، که زبان شعر و ادبیات شمرده می‌شد، نه تنها گنجینه واژگان زبان ترکی، بلکه ساخت دستوری آن نیز دچار دگرگونی گشت و زبان ادبی جدیدی پدید آمد که به نام «زبان عثمانی» مشهور شد. زبان عثمانی با زبان ترکی، که تا امروز اصالت خود را حفظ کرده است و در آن هنگام زبان عامه مردم محسوب می‌شد، تفاوت داشت و همان‌گونه که از نام آن پیداست زبانی غیر از ترکی بود. چنانکه هم اکنون در ترکیه فرهنگهای لغت «عثمانی به ترکی» تدوین می‌شود.

زبان عثمانی که ترکیبی از عناصر لغوی و دستوری زبانهای عربی، فارسی و ترکی بود تا اوایل قرن بیستم، به مثابه زبان ادبی دربار عثمانی، در مکاتبات بین دول و ادبیات دیوانی به کار می‌رفت. در دورانهای مختلف برای از میان برداشتن اختلاف ژرفی که بین زبان مردم و زبان «ادبی» طبقات مرفه و بالای جامعه پدید آمده بود کوششهایی صورت گرفت. این کوششها برای آن بود که زبان عثمانی از تعبیّرات، اصطلاحات و لغات نامأنوس پاک گردد و رو به سادگی نهد. نخستین کوششی که در این راستا انجام گرفت مربوط به دوران اصلاحات (۱۸۳۹-۱۸۷۸ میلادی) است که در تاریخ ترکیه از آن با عنوان «دوره تنظیمات»^۱ یاد می‌شود. با اینکه در این دوره برای پاکسازی و ساده کردن زبان عثمانی گامهای مهمی برداشته شد، اما این روند ناتمام ماند. از سوی دیگر با «غربگرایی» همه‌گیری که در این دوره پا به میدان نهاده بود، لغات بسیاری از زبانهای اروپایی، بویژه فرانسوی، به زبان عثمانی راه یافت.

مرحله دوم در ساده کردن زبان عثمانی با قیام «ترکهای جوان»^۲ آغاز شد (۱۹۰۸ میلادی). در این مرحله نیز کوششهایی که در جهت نزدیک کردن زبان عثمانی به زبان مردم صورت می‌گرفت بی‌نتیجه

ماند و بدین ترتیب مسائلی که قرن‌ها گریبانگیر زبان ترکی شده بود همچنان حل نشده باقی ماند. آغاز دوران جمهوری نقطه عطفی در پیشرفت و تکامل زبان ترکی بود. بعد از آنکه در سال ۱۹۲۳ رژیم سلطنتی به جمهوری تغییر یافت، اصلاحات اساسی در زبان نیز شروع شد. این اصلاحات که تحت عنوان «انقلاب زبان» انجام گرفت از جمله منجر به تغییر الفبای ترکی از عربی به لاتین و تغییر نام زبان از «عثمانی» به «ترکی» شد. در سال ۱۹۳۲ مرکزی به نام «نهاد زبان ترک^۱»، که نوعی فرهنگستان زبان است، تأسیس شد که وظیفه‌اش انجام اصلاحات در زبان، ساختن واژه‌های نوین و پاک کردن زبان ترکی از لغات و اصطلاحات بیگانه است. این نهاد با استخراج واژگان از کتیبه‌ها و یادمانهای باستانی ترکی، زبانهای خویشاوند و زبانها و لهجه‌های مختلف ترکی اقدام به یافتن معادل‌های ترکی برای لغات بیگانه، و در صورت لزوم ساختن واژه‌های نوین بر اساس واژه‌های قدیمی و گاه مهجور ترکی کرد. البته در کار اصلاح زبان برخی زیاده‌رویها نیز صورت گرفت، از جمله جایگزینی کلمات جدید به جای کلمات مأخوذه که در زبان مردم پذیرفته شده بود، ساختن کلمات مجعول و غیره. از سوی دیگر مداخله غیرضروری در فرایند طبیعی تکامل زبان برای دست یافتن به موفقیت در کوتاهترین مدت باعث ایجاد مشکلاتی شد. از جمله این مشکلات پدید آمدن نوعی اختلاف زبانی بین نسلها بود. البته این مشکل امروزه بر اثر عواملی چون گذشت چندین دهه از شروع اصلاحات، تربیت چندین نسل با اصول نوین، پیشرفت و رواج وسایل ارتباط جمعی (مطبوعات، رادیو - تلویزیون) و... تا حد بسیار زیادی حل شده است.

بخش یکم مبانی

الفبای ترکی

در طول تاریخ برای نوشتن زبان ترکی بیش از ده الفبا بکار رفته است. از این میان چهار الفبا رواج بیشتری داشته و در قرون مختلف به عنوان الفبای رسمی پذیرفته شده است که عبارتند از: الفبای گوک‌تورک (Göktürk alfabesi)، الفبای اویغور (Uygur alfabesi)، الفبای عربی (Arap alfabesi) و الفبای لاتین (Latin alfabesi). از الفبای گوک‌تورک تا قرن دهم میلادی، از الفبای اویغور تا قرن پانزدهم میلادی و از الفبای عربی از قرن دهم تا سال ۱۹۲۸ میلادی استفاده می‌شده است.

در اول دسامبر سال ۱۹۲۸ میلادی مجلس ترکیه قانونی تصویب کرد که براساس آن الفبای لاتین به عنوان الفبای رسمی جایگزین الفبای عربی شد. الفبای جدید از ۲۹ حرف تشکیل شده است که از این تعداد ۸ تای آنها مصوت (a, e, , i, o, ö, u, ü) و بقیه صامت هستند (k, b, c, ç, d, f, g, ğ, h, j,). در تنظیم و هماهنگسازی الفبای لاتین با زبان ترکی هدف اساسی این بوده است که برای هر صدا یک حرف و برای هر حرف تنها یک صدا در نظر گرفته شود و بدین ترتیب نوشتن و خواندن ترکی آسانتر گردد.

در هنگام تنظیم الفبای جدید، گزینش آوایی براساس لهجه استانبول صورت گرفته است و ۲۹ حرف مذکور تمامی آواهای موجود در لهجه اصیل استانبول را منعکس می‌کرده است، اما بعدها با مهاجرت وسیع اهالی از سایر مناطق، بویژه آناتولی شرقی، به استانبول لهجه این شهر و به تبع آن لهجه ادبی دچار دگرگونی گشت و بر تعداد آواهای موجود در آن افزوده شد. در نتیجه بعضی از حروف نمایانگر چند آوا شدند که در این باره به تفصیل سخن خواهیم گفت.

در جدول صفحه بعد الفبای نوین ترکی را همراه با حروف معادل آن در الفبای فارسی مشاهده

می‌کنید:

الفبای نوین ترکی

نوشتار کتابی Kitap Yazışları		نام حرف Harfin Adı	حرف معادل فارسی	نوشتار کتابی Kitap Yazışları		نام حرف Harfin Adı	حرف معادل فارسی
بزرگ	کوچک			بزرگ	کوچک		
Büyük	Küçük			Büyük	Küçük		
A	a	a	آ	M	m	me	م
B	b	be	ب	N	n	ne	ن
C	c	ce	ج	O	o	o	اُ
Ç	ç	çe	چ	Ö	ö	ö	*
D	d	de	د	P	p	pe	پ
E	e	e	اِ و اُ	R	r	re	ر
F	f	fe	ف	S	s	se	ث - س - ص
G	g	ge	گ	Ş	ş	şe	ش
Ğ	ğ	yumuşak g	*	T	t	te	ت - ط
H	h	he	ح - ه	U	u	u	او
I	ı	ı	*	Ü	ü	ü	*
İ	i	i	ای	V	v	ve	و
J	j	je	ژ	Y	y	ye	ی
K	k	ke	ک	Z	z	ze	ذ - ز - ض - ظ
L	l	le	ل				

حروفی که با علامت ستاره (*) مشخص شده‌اند حرف معادل فارسی ندارند و طرز تلفظ آنها در همین فصل توضیح داده شده است.

همان گونه که در جدول دیدید در الفبای ترکی از لحاظ نوشتاری دو نوع حرف وجود دارد: حروف کوچک (küçük harfler) و حروف بزرگ (büyük harfler). اساس نوشتار در الفبای لاتین مبتنی بر حروف کوچک است. از حروف بزرگ برای جلب توجه، آسانتر فهمیده شدن متن و جلوگیری از خلط معنی استفاده می شود. استفاده از حروف بزرگ به دو شکل است:

الف) تمام کلمه با حروف بزرگ نوشته می شود. این حالت بیشتر در تیترو روزنامه ها و عناوین کتاب بکار می رود، مانند:

TÜRKİYE CUMHURİYETİ ANAYASASI (قانون اساسی جمهوری ترکیه)

ب) حرف اول کلمه با حروف بزرگ نوشته می شود، مانند:

İmlâ Kuralları (نام شخص) Oktay, (نام کتاب) İmlâ Kuralları

Türk Dil Kurumu (نام مؤسسه)

مواردی که حرف اول کلمه بزرگ نوشته می شود اینهاست:

۱. نخستین حرف جمله ها، مانند:

Bu kitaptır. (این کتاب است.)

Kitap okuma iyi bir uğraştır. (کتاب خواندن سرگرمی خوبی است.)

۲. نخستین حرف تمامی نامهای خاص، مانند:

Türkiye (ترکیه), İran (ایران), Aras (ارس، نام رودخانه), Turgut (نام شخص)

Birleşmiş Milletler Teşkilatı (سازمان ملل متحد، نام سازمان)

Cumhuriyet (جمهوریت، نام روزنامه)

۳. نخستین حرف نام زبانها، ملیتها، مذاهب و ادیان، همچنین نامهای عامی که از آنها درست

می شوند، مانند:

Türk, Türkçe (ترکی، ترک), Fars, Farsça (فارسی، فارسی)

İslam, Müslüman (اسلام، مسلمان), Japonya, Japon (ژاپن، ژاپنی)

در نوشتار ترکی علاوه بر حروف الفبا از دو علامت «^» (نشانه مک) و «'» (آپستروف، نشانه جداکننده) نیز استفاده می شود. از آنجا که مصوتهای زبان ترکی کوتاه هستند، گاهی تأکید بر تلفظ کشیده حروف ضروری است. برای انجام این مقصود نشانه مک «^» بر روی حرف مصوت مورد نظر نوشته می شود. موارد استفاده از نشانه مک اینهاست:

۱. در کلمات مأخوذ از زبانهای عربی و فارسی که املایشان یکی است، اما معنایشان متفاوت است،

تلفظ کشیده مصوتها را نشان می‌دهد و بدین ترتیب تفاوت معنایی را آشکار می‌کند. مثال:

hala (عمه)	hâlâ (هنوز)
Ali (علی)	âli (عالی)
alem (عَلم، پرچم)	âlem (عالم، جهان)
şura (اینجا)	şûra (شورا)

۲. در برخی کلمات مأخوذ از عربی و فارسی روی مصوت‌های u و a که با صامت‌های g و k و l و hجا تشکیل داده‌اند نوشته می‌شود و تلفظ کشیده این مصوتها و تلفظ ظریف صامت‌های مورد نظر را نشان می‌دهد:^۱

imkân (امکان)	kâr (سود)
lâzım (لازم)	karargâh (قرارگاه)
ilâç (دارو)	gûya (گویا)

۳. با قرار گرفتن بر روی پسوند «î» که با برخی اسامی مأخوذ از زبان‌های عربی و فارسی صفت نسبی می‌سازد، هم تلفظ کشیده این پسوند را نشان می‌دهد و هم از اختلاط آن با پسوند منسوبیت سوم شخص مفرد جلوگیری می‌کند:

tarih (تاریخ)	→ tarihî (تاریخی)
ilim (علم)	→ ilmî (علمی)
iktisat (اقتصاد)	→ iktisadî (اقتصادی)

مثالهای زیر اختلاف کاربرد «î» و «i» را بخوبی نشان می‌دهد:

Türkiye tarihi (تاریخ ترکیه)	kimya ilmi (علم شیمی)
tarihî eser (اثر تاریخی)	ilmî yazı (نوشته علمی)

نشانه جداکننده « ˆ » (kesme işareti) نیز در موارد زیرین بکار می‌رود:

۱. جدا کردن پسوند (ek) از اسامی خاص (özel adlar). مثال:

Orhan'a, İstanbul'un, İran İslam Cumhuriyeti'nin

۲. جدا کردن پسوند از حروف اختصاری (k saltmalar). مثال:

BMT'nin, TRT²'den, PTT³'ye

۱. درباره صامت‌های G، K و L که هر کدام دارای دو طرز تلفظ هستند در همین فصل توضیح داده شده است.

2. Türkiye Radyo Televizyon Kurumu

3. Posta Telegraf Telefon

۳. جدا کردن پسوند از رقمها (say^۳lar) . مثال:

(بعد از ۲۰۰۰) 2000'den sonra , (سال ۱۹۹۶) 1996'nc^۳ y^۳1

Saat 12'ye çeyrek var. (ساعت یک ربع به دوازده است.)

۴. در سالهای قبل از نشانه جداکننده در کلمات مأخوذ از عربی و فارسی برای نشان دادن تلفظ کشیده مصوتها و نشانه سکون در کلماتی که با «همزه» یا «ع» نوشته می شوند (مانند: جرئت، cür'et) نیز استفاده می شد. در حال حاضر از این نشانه در کلمات معدودی استفاده می شود، مانند: Kur'an (قرآن).

در بحث مربوط به حروف الفبا این نکته را نیز باید متذکر شد که املائی اسامی خاص، اسامی نهادها و مؤسسات بین المللی و برخی اصطلاحات که از زبانهای دارای الفبای لاتین وارد زبان ترکی شده اند در اکثر موارد هیچ تغییری نمی کند و همان گونه که در زبان اصلی نوشته می شده اند، نوشته می شوند. مثال:

Max Mullr, New York, Byron, Cervantes, Beethoven

بنابراین حروفی مانند «w» «q» و «x»، که در الفبای ترکی موجود نیست، در نوشتن این گونه کلمات وارد نوشتار ترکی می شود.

حروف مصوت

تلفظ مصوتها

پیش از آنکه وارد مبحث تلفظ مصوتها شویم باید این نکته مهم را دوباره متذکر شویم که مصوتهای زبان ترکی کوتاه هستند، اما در برخی کلمات مأخوذ از زبانهای دیگر، مصوتها بلند و کشیده تلفظ می شوند. باید به خاطر داشت که کوتاه یا کشیده تلفظ شدن مصوتها می تواند معنای کلمه را تغییر دهد. برای مثال در کلمه «kar» به معنی «برف»، اگر مصوت «a» کشیده تلفظ شود معنی کلمه عوض می شود (سود = kâr، برف = kar). به مثالهای زیر دقت کنید:

adet (عدد) ، âdet (عادت)

şura (شورا) ، şûra (اینجا)

hala (هنوز) ، hâlâ (عمه)

âdem (حضرت آدم) ، adem (عدم)

مصوت «A»: تلفظ این مصوت مانند تلفظ مصوت «آ» در کلمه فارسی «آب» است. این مصوت دو

طرز تلفظ دارد: کوتاه و کشیده. در همه کلمات اصیل ترکی مصوت «a» کوتاه تلفظ می شود، مانند:

ag^۳z (زاویه) ، aç^۳ (باز کردن) ، açmak (تلخ، ناراحت کننده) ac^۳ (گرسنه) ، aç (اسم)

(عصر، اوایل شب) akşam (جزیره) ada ، (نامزد، کاندیدا) aday (دهان)

در بیشتر کلمات مأخوذ از زبانهای دیگر نیز مصوت «a» تابع قوانین آوایی زبان ترکی شده، کوتاه تلفظ می شود، مانند:

ajans (آژانس), aciz (عجز), ak (عقل, حافظه), akrep (عقرب), akraba (خویشاوند), apartman (آپارتمان), adres (آدرس), aman (امان), (آپارتمان)

این مصوت در برخی کلمات مأخوذ به صورت کشیده تلفظ می شود، مانند:

âciz (عاجز), acil (فوری), (عدالت) adalet, (معروض) maruz, (دعوت) davet, (عادی, فرومایه) adi

مصوت «E»: این حرف در نوشتار ترکی نمایانگر دو صدای «آ» و «ا» است^۱. چگونگی تلفظ «e»، یعنی اینکه «آ» تلفظ شود یا «ا»، تابع قانون خاصی نیست. البته این نکته را نیز باید ذکر کنیم که تلفظ مصوت «e» چه به صورت «آ» و چه به صورت «ا» تغییر معنایی در کلمه ایجاد نمی کند (مثلاً کلمه güzel به معنای زیبا را چه به صورت «گوزل» و چه به صورت «گوزل» تلفظ کنید معنای آن عوض نمی شود). با این همه برای تلفظ هر چه دقیقتر و متعارفتر کلمات، دانستن نکات زیر خالی از فایده نیست:

۱. مواردی که مصوت «e» به صورت «ا» تلفظ می شود:

الف) در ابتدای کلمات؛ مثال:

elçi (فرستاده, سفیر), ek (پسوند, ضمیمه), eş (همسر), ev (خانه), eyvallah (خدا حافظ), ekim (اکتبر), eylül (سپتامبر)

ب) در هجای اول کلمات چند هجایی؛ مثال:

yeşil (سبز), keçi (بز), geniş (وسیع, گسترده), temiz (تمیز), seyirci (تماشاگر)

ج) در تمام هجاهای کلمات مأخوذ از زبانهای اروپایی؛ مثال:

bisiklet (دوچرخه), telefon (تلفن), elektrik (برق), elektron (الکترون), enerji (انرژی)

۲. مواردی که مصوت «e» به صورت «آ» تلفظ می شود:

الف) هجای میانی و پایانی کلمات اصیل ترکی و کلمات مأخوذ از عربی و فارسی؛ مثال:

öğrenci (دانشجو, دانش آموز), erkek (مرد), teyze (خاله)

۱. این دوگانگی تلفظ در هنگام تنظیم الفبا وجود نداشته است و بعدها با اختلاط لهجه ها و شیوه های مختلف ترکی پدید آمده است.

ب) در اکثر کلمات تک هجایی مختموم به حرف صامت؛ مثال:

(زبر، خشن) sert, (شاد) şen, (تو) sen, (من) ben

ج) در تمام پسوندها، حروف اضافه و حروف ربط؛ مثال:

(پیش، قبل) önce, (با) ile, (در روستا) köyde

مصوت «I»: این مصوت در زبان فارسی هم وجود دارد و تلفظ آن مانند تلفظ حرف «ی» در کلمات

فارسی «شیر»، «پیش»، «آبی» و تلفظ دو حرف «ای» در کلمات «ایران» و «ایمان» است. از این رو تلفظ آن برای فارسی‌زبانان بسیار آسان است؛ مثال:

الف) در ابتدای کلمه:

(اثر، رد) iz, (سوزن) iğne, (کار) iş, (ایران) İran

ب) در میان کلمه:

(دریا) deniz, (واحد) birim, (هشت) sekiz, (یک) bir

ج) در پایان کلمه:

(کارگر) işçi, (باشخصیت) efendi, (صنایع) sanayi, (گره) kedi

مصوت «İ»: این مصوت در زبان فارسی وجود ندارد. طرز تلفظ آن تقریباً مانند مصوت «i» است، با

این تفاوت که در تلفظ «i» زبان به سمت جلوی دهان کشیده می‌شود، اما در تلفظ «İ» به سمت عقب دهان جمع می‌شود. این مصوت در زبان آذربایجانی نیز وجود دارد (در کلماتی مانند «ایلدیریم» به معنای صاعقه و «ایشیق» به معنای روشنایی) و آذربایجانیها می‌توانند آن را براحتی تلفظ کنند؛ مثال:

الف) در ابتدای کلمه:

(صاحب) s, (نوعی کباب) zgara, (عرق، نژاد) rk, (خیس) slak

ب) در میان کلمه:

(پیشانی) aln, (دختر) kz, (فشرده) sk, (بهمن) ğ

ج) در پایان کلمه:

(ساحل) ky, (فالگیر) falc, (احترام) sayg, (کمک، همیاری) katk

مصوت «O»: تلفظ این مصوت همانند تلفظ ضمه (أ) در کلمات فارسی «أستان»، «دو» و

«خورشید» است؛ مثال:

الف) در ابتدای کلمه:

(مدرسه، دانشگاه) okul، (پسر) oğlan، (آنها) onlar، (ده) on

ب) در میان کلمه:

(چپ) sol، (لوله) boru، (خروس) horoz، (بنفش) mor

ج) در پایان کلمه: این مصوت در پایان کلمات اصیل ترکی نمی آید.

مصوت «Ö»: این مصوت نیز در زبان فارسی معادلی ندارد. تلفظ مصوت «ö» تا حدی شبیه تلفظ مصوت «o» است، با این تفاوت که در حین تلفظ، زبان باید به سمت جلوی دهان - تا نزدیکی دندانهای پیشین پایین - کشیده شود؛ مثال:

الف) در ابتدای کلمه:

(پیش، جلو) ön، (نفس، جوهره) öz، (حسرت) özlem، (اردک) ördek

ب) در میان کلمه:

(چهار) dört، (چشم) göz، (تقسیم کردن) bölmek، (سخن) söz

ج) در پایان کلمه: این مصوت در پایان کلمات اصیل ترکی نمی آید.

مصوت «U»: تلفظ این مصوت همانند تلفظ «او» (ضمیر سوم شخص مفرد در زبان فارسی) است و بدین خاطر تلفظ آن برای فارسی زبانان آسان است؛ مثال:

الف) در ابتدای کلمه:

(آرد) un، (کوچک، جزئی) ufak، (نوک) uç، (پرواز کردن) uçmak

ب) در میان کلمه:

(نُه) dokuz، (لب) dudak، نمایشگاه، fuar، (موز) muz

ج) در پایان کلمه:

(آب) su، (شاد، خوشبخت) mutlu، (این) bu، (پرسش) soru

مصوت «Ü»: این مصوت هم یکی از سه مصوت ترکی است که در فارسی معادلی ندارد. حالت لبها و دهان در تلفظ «ü» شبیه حالتی است که در تلفظ «u» می یابد، اما زبان باید به سمت جلوی دهان - تا نزدیکی دندانهای پیشین پایین - کشیده شود؛ مثال:

الف) در ابتدای کلمه:

(رو، بالا) üst، (کشور) ülke، (صدا) ün، (سه) üç

ب) در میان کلمه:

(کوچک) küçük، (انگور) üzüm، (شیر) süt، (بار) yük

ج) در پایان کلمه:

(پوشش) örtü، (روستایی) köylü، (اتو) ütü، (ترانه محلی) türkü

حروف صامت

تلفظ حروف صامت

در الفبای ترکی ۲۱ حرف صامت وجود دارد که به ترتیب عبارتند از: B (ب)، C (ج)، Ç (چ)، D (د)، F (ف)، G (گ)، Ğ (گ-نرم)، H (ه، ح)، J (ژ)، K (ک)، L (ل)، M (م)، N (ن)، P (پ)، R (ر)، S (ث-س-ص)، Ş (ش)، T (ت-ط)، V (و)، Y (ی) و Z (ذ-ز-ض-ظ). سه حرف صامت G و K و L هر کدام دارای دو صدا هستند و تلفظ حرف «Ğ» تلفظی ویژه است. تلفظ بقیه حروف صامت با تلفظ معادلهای فارسی آنها (که در پراکنش ذکر شده‌اند) یکی است. از این رو در این بخش تنها طرز تلفظ چهار حرف صامت G، K، L و Ğ را بررسی می‌کنیم.

صامت «G»:

الف) تلفظ صامت «g» هنگامی که با مصوت‌های سبتر^۱ در یک هجا قرار می‌گیرد، شبیه تلفظ حرف «گ» در کلمات فارسی «گاه» و «گل» است: مثال:

(روزنامه) gazete، (ایستگاه راه‌آهن) gar، (پیشخدمت) garson

(به‌نظر، احتمالاً) galiba

ب) تلفظ صامت «g» هنگامی که با مصوت‌های ظریف^۲ در یک هجا قرار می‌گیرد، شبیه تلفظ حرف «گ» در کلمات فارسی «گرم» و «گل» است. مثال:

(اعتماد) güven، (زیبا) güzel، (نیرو، سخت) güç، (برو) git، (بیا) gel

ج) تلفظ صامت «g» در برخی کلمات مأخوذ از زبانهای عربی و فارسی با وجود اینکه با مصوت‌های سبتر در یک هجا قرار می‌گیرد، باز هم شبیه تلفظ «گ» در کلمات فارسی «گرم» و «گل» است. در این گونه موارد مصوتی که با «g» هجا تشکیل داده است، کشیده تلفظ می‌شود و در بیشتر کلمات روی این مصوت علامت مد (^) قرار می‌گیرد. مثال:

۱. مصوت‌های سبتر اینهاست: a، i، o، u. برای توضیح بیشتر فصل دوم را ببینید.

۲. مصوت‌های ظریف اینهاست: e، i، ö، ü. برای توضیح بیشتر فصل دوم را ببینید.

(باد) rüzgâr، (قرارگاه) karargâh، (گبر، کافر) gâvur، (گویا) gûya

د) در کلمات مأخوذ از زبانهای اروپایی صامت «g» همیشه مانند تلفظ «گ» در کلمات فارسی «گاه» و «گُل» تلفظ می‌شود. مثال:

(گریپ) grip، (خاکستری) gri، (اعتصاب) grev، (گلیکوز) glikoz

(گاز معدن) grizu

صامت «G»: این حرف صامت که در الفبای ترکی «yumuşak g» (گ نرم) نامیده می‌شود دارای خصوصیات ویژه‌ای به شرح زیر است:

الف) صامت «ğ» در ابتدای کلمه بکار نمی‌رود.

ب) طرز تلفظ صامت «ğ» هنگامی که با مصوت‌های ظریف در یک هجا قرار می‌گیرد، شبیه تلفظ صامت «ی» در کلمات فارسی «یخ» و «یاد» است. مثال:

(آموزش) اِیْتِیْم - eğitim، (معلم) اَوِیْرَتْمَن - öğretmen، (سوزن) اِیْنَه - iğne

(تفریح) اِیْلَنْجَه - eğlence

ج) صامت «ğ» هنگامی که با مصوت‌های سبتر هجا تشکیل می‌دهد، تلفظ نمی‌شود، بلکه باعث کشیده و ممتد تلفظ شدن مصوت قبل از خودش می‌شود. مثال:

(گریستن) آلا ماک - ağlamak، (درخت) آاچ - ağaç، (کوه) دآا - dağ

(غار) مآآرا - mağara

صامت «K»

الف) تلفظ صامت «k» هنگامی که با مصوت‌های سبتر در یک هجا قرار می‌گیرد، تا حدی شبیه تلفظ حرف «ک» در کلمات فارسی «کوه» و «کاه» است. مثال:

(نگاه کن) bak، (در) kap^۴، (مهمان) konuk، (دست) kol، (شانه) tarak، (تیر) ok

ب) صامت «k» هنگامی که با مصوت‌های ظریف در یک هجا قرار می‌گیرد، تا حدی مانند حرف «ک» در کلمات فارسی «کَر» و «کِی» تلفظ می‌شود. مثال:

(کهنه، قدیمی) eski، (خود) kendi، (کتاب) kitap، (هشتاد) seksen، (دوقلو) ikiz

ج) در برخی کلمات مأخوذ از زبانهای عربی و فارسی صامت «k» با آنکه با مصوت‌های سبتر در یک هجا قرار می‌گیرد، اما مانند تلفظ حرف «ک» در کلمه فارسی «کَر» به صورت ظریف تلفظ می‌شود. در اکثر این گونه کلمات برای نشان دادن تلفظ ظریف «k» روی حرف مصوتی که با آن هجا تشکیل داده است

نشانه مد (٨) گذاشته می شود. مثال:

(کامل) kâmil، (سکوت) sukût، (امکان) imkân، (کاتب، منشی) kâtip

(د) صامت «k» در کلمات مأخوذ از زبانهای اروپایی همیشه مانند تلفظ «ک» در کلمات «کاه» و «کوه» (یعنی به صورت سبتر) تلفظ می شود. مثال:

(کریستال) kristal، (بحران) kriz، (کرم) krem

توجه: در زبان ترکی بسته به اینکه در پایان کلمه صامت «k» سبتر یا نازک تلفظ شود، مصوت پسوندی که به کلمه اضافه می شود نیز سبتر یا نازک خواهد بود. برای جلوگیری از اشتباه در تلفظ و املاي این گونه کلمات یا باید آنها را به خاطر سپرد یا اینکه به لغتنامه های معتبر ترکی مراجعه کرد. در این لغتنامه ها جلو این گونه کلمات یک پسوند به عنوان نمونه قید شده است. مثالهای زیر برگرفته از TDK - *Türkçe Sözlük* (فرهنگ ترکی - انتشارات نهاد زبان ترک) است:

hak, _kk[Ⓢ] idrak, _ki

hâk, _ki ahlak, _k[Ⓢ]

صامت «L»

الف) صامت «l» هنگامی که با مصوتهای سبتر در یک هجا قرار می گیرد، خود نیز سبتر تلفظ می شود، یعنی در هنگام تلفظ زبان به سمت عقب دهان جمع می شود. مثال:

(عسل) bal، (ماهی) bal[Ⓢ] k، (نفس) soluk، (خواهر بزرگ) abla، (کلم) lahana

(شاخه) dal، (حادثه) olay، (خریدن، گرفتن، برداشتن) almak

ب) صامت «l» هنگامی که با مصوتهای ظریف در یک هجا قرار می گیرد، خود نیز ظریف تلفظ می شود، یعنی در موقع تلفظ زبان به سمت جلوی دهان کشیده می شود و با دندانهای پیشین بالا تماس جزئی پیدا می کند. مثال:

(بندر) liman، (دانستن) bilmek، (مربوط) ilgili، (رابطه) ilişki، (زبان) dil

(فرستاده، سفیر) elçi

ج) صامت «l» در اکثر کلمات خارجی، حتی در آنهایی که با مصوتهای سبتر هجا تشکیل داده است، به صورت ظریف تلفظ می شود. در برخی از این گونه کلمات - بیشتر کلمات مأخوذ از عربی و فارسی - برای نشان دادن تلفظ کشیده مصوتی که با «l» هجا تشکیل داده است و نیز تلفظ ظریف صامت «l»، روی مصوت مذکور علامت مد (٨) گذاشته می شود. مثال:

(نقش) rol، (سؤال) sual، (حال، وضعیت) hal، (استقلال) istiklâl، (لازم) lâzım، (گل - در مسابقه‌های ورزشی) gol، (رستوران) lokanta، (لاستیک) lastik، (نفت) petrol

توجه: باید توجه داشت که در کلمات مختوم به صامت «l» هرگاه این صامت ظریف تلفظ شود، مصوت‌های پسوند یا پسوندهایی که بدان کلمه افزوده می‌شوند نیز ظریف خواهند بود. در کلمات ناآشنا که چگونگی تلفظ «l» مشخص نیست بهتر است که به فرهنگ لغات مراجعه شود. این نکته را نیز متذکر شویم که در اکثریت قریب به اتفاق کلمات مأخوذ از زبانهای اروپایی صامت «l» در پایان کلمه ظریف تلفظ می‌شود. در اکثر فرهنگهای معتبر ترکی جلوی این گونه کلمات یک پسوند برای نمونه قید شده است. مثالهای زیر برگرفته از *Türkçe Sözlük* - TDK (فرهنگ ترکی - انتشارات نهاد زبان ترک) است:

istiklâl, -li gol, -lû

kemal, -li petrol, -lû

تمرین

۱. کلمه‌های زیر را به ترتیب الفبایی مرتب کنید:

(زیاد) çok، (کیف) çanta، (بد) kötü، (خوب) iyi، (چطور، چگونه) nasîl، (سلام) merhaba، (بله) evet، (ایسن) bu، (چه) ne، (کجا) nere، (آسان) kolay، (بعد) sonra، (کم) az، (یک) bir، (امروز) bugün، (دیروز) dün، (روز) gün، (مجانی) bedava، (نه) hayîr، (هشت) sekiz، (هفت) yedi، (شش) altı، (پنج) beş، (چهار) dört، (سه) üç، (دو) iki، (بیست) yirmi، (ده) on، (نه) dokuz

قانون هماهنگی اصوات

قانون هماهنگی اصوات که براساس آن کلیه اصوات موجود در یک کلمه باید از لحاظ جایگاه تولید و حالت زبان و حالت لب هماهنگ باشند از ویژگیهای مهم زبان ترکی است که فراگیری آن در مکالمه و نوشتار صحیح اهمیت بسزایی دارد. برای یادگیری این قانون نخست باید گروه‌بندی اصوات آموخته شوند.

گروه‌بندی مصوتها

فراگیری دقیق «گروه‌بندی مصوتها» در تلفظ درست کلمات و انتخاب پسوندهای مناسب نقش اساسی دارد. همان گونه که در فصل اول دیدید در زبان ترکی ۸ مصوت وجود دارد: a, e, , i, o, ö, u, ü. این مصوتها بر اساس حالت زبان و حالت لب در هنگام تلفظ به دو گروه عمده تقسیم می‌شوند:

الف) براساس حالت زبان

۱. مصوتهای ستمبر (*kalin sesliler*): به مصوتهایی که در هنگام تلفظشان زبان در عقب دهان جمع می‌شود، مصوتهای ستمبر گفته می‌شود. مصوتهای ستمبر اینهاست: a, , o, u.
۲. مصوتهای ظریف (*ince sesliler*): به مصوتهایی که در هنگام تلفظشان زبان به سمت جلوی دهان کشیده می‌شود، مصوتهای ظریف گفته می‌شود. مصوتهای ظریف اینهاست: e, i, ö, ü.

ب) براساس حالت لبها

۱. مصوتهای گرد (*yuvarlak sesliler*): به مصوتهایی که در هنگام تلفظشان لبها حالت گرد (دایره‌ای) به خود می‌گیرند، مصوتهای گرد گفته می‌شود. مصوتهای گرد اینهاست: o, ö, u, ü.
۲. مصوتهای صاف (*düz sesliler*): به مصوتهایی که در هنگام تلفظشان لبها به حالت صاف قرار می‌گیرند، مصوتهای صاف گفته می‌شود. مصوتهای صاف اینهاست: a, e, , i.

گروه‌بندی مصوتهای زبان ترکی در جدول زیر نشان داده شده است.

جدول گروه‌بندی مصوتها

براساس وضعیت لبها			
صاف		گرد	
e , i		ö , ü	
a , (a)		o , u	
		ظریف	براساس وضعیت زبان
		ستبر	

با استفاده از جدول فوق می‌توان ویژگیهای هر مصوت را بدین ترتیب بر شمرد:

مصوت a : ستبر، صاف	مصوت o : ستبر، گرد
مصوت e : ظریف، صاف	مصوت ö : ظریف، گرد
مصوت (a) : ستبر، صاف	مصوت u : ستبر، گرد
مصوت i : ظریف، صاف	مصوت ü : ظریف، گرد

هماهنگی مصوتها (sesli uyumu kanunu)

در زبان ترکی هم در بُن کلمات، هم بین بُن کلمه و پسوندهایی که بدان افزوده می‌شود نوعی هماهنگی اصوات وجود دارد. براساس این هماهنگی، فقط مصوتهای همگروه می‌توانند در یک کلمه قرار بگیرند. هماهنگی مصوتها یکی از ویژگیهای متمایزکننده زبان ترکی از دیگر زبانهاست.

قانون هماهنگی مصوتها، کلمات اصیل ترکی و کلمات مأخوذه که براساس قوانین آوایی زبان ترکی دگرگون شده‌اند را در بر می‌گیرد و سایر کلمات مأخوذ را شامل نمی‌شود، اما پسوندهایی که به این کلمات افزوده می‌شوند نیز تابع قانون هماهنگی اصوات هستند. قانون هماهنگی اصوات به دو بخش تقسیم می‌شود:

۱. هماهنگی مصوتهای ظریف و ستبر (kalinlik-incelik uyumu)

هماهنگی مصوتهای ظریف و ستبر بدین معناست که در یک کلمه ترکی یا ترکی‌شده همه مصوتها باید یا ظریف باشند یا ستبر. به عبارت دیگر، اگر اولین مصوت موجود در کلمه از گروه مصوتهای ستبر (a , (a) , o , u) باشد، بقیه مصوتهای کلمه و پسوندهای آن نیز ستبر خواهند بود؛ و اگر اولین مصوت

موجود در کلمه از گروه مصوت‌های ظریف (e , i , ö , ü) باشد، بقیه مصوت‌های کلمه و پسوندهای آن نیز از مصوت‌های ظریف خواهند بود. به مثالهای زیر دقت کنید:

الف) از پی هم آمدن مصوت‌های ظریف: *özlemek , ünlü , sesli , sekizinci*

ب) از پی هم آمدن مصوت‌های سبتر: *al_n , kara çorba , alt_nc_*

۲. هماهنگی مصوت‌های صاف و گرد (*düzlük-yuvarlaklık uyumu*)

هماهنگی مصوت‌های صاف و گرد بدین معناست که در یک کلمه ترکی یا ترکی شده مصوت‌ها از لحاظ گرد یا صاف بودن با یکدیگر هماهنگ می‌شوند. یعنی اگر اولین مصوت موجود در کلمه از گروه مصوت‌های گرد (o , ö , u , ü) باشد، بقیه مصوت‌های کلمه و پسوندهای آن نیز گرد خواهند بود؛ و اگر اولین مصوت موجود در کلمه از گروه مصوت‌های صاف (a , e , i , [⊙]) باشد، بقیه مصوت‌های کلمه و پسوندهای آن نیز صاف خواهند بود. مثال:

الف) از پی هم آمدن مصوت‌های گرد: *ölü , dördüncü , dokuzuncu , doğru*

ب) از پی هم آمدن مصوت‌های صاف: *evlilik , dördüncü , karars_zl_k , sar_ , beşinci*

نوع اول هماهنگی مصوت‌ها، یعنی هماهنگی مصوت‌های ظریف و سبتر، فراگیرتر از نوع دوم (هماهنگی مصوت‌های گرد و صاف) است، از این رو به آن "*büyük ses uyumu*" (هماهنگی بزرگ اصوات) و به دومی "*küçük ses uyumu*" (هماهنگی کوچک اصوات) نیز گفته می‌شود.

برخی کلمات اصیل ترکی نیز وجود دارند که تابع قانون هماهنگی مصوت‌ها نیستند. مانند:

(کدام) *hangi*، (برادر یا خواهر) *kardeş*، (مادر) *anne*، (سیب) *elma*

اصل این کلمات نیز تابع قانون هماهنگی اصوات بوده (به ترتیب *hang[⊙]*، *kardaş*، *ana*، *alma*) اما لهجه خاص شهر استانبول باعث ظریف شدن یکی از مصوت‌های آنها شده است.

گروه‌بندی صامت‌ها

حروف صامت نیز، همانند مصوت‌ها، به چند گروه تقسیم می‌شوند. گروه‌بندی صامت‌ها براساس چهار جنبه زیر است:

۱. تولید واک

۲. جایگاه تولید

۳. میزان تماس

۴. مجرای هوا

براساس جنبه‌های فوق صامتهای زبان ترکی به چهار گروه تقسیم می‌شوند، اما گروه‌بندی‌ای که در عمل بیشتر بکار می‌آید گروه‌بندی براساس جنبه تولید واک است. بدین دلیل در اینجا برای جلوگیری از طولانی و پیچیده شدن مبحث فقط این گروه‌بندی توضیح داده می‌شود.

حروف صامت از جنبه تولید واک به دو بخش تقسیم می‌شوند: صامتهای واکدار (ünlü konsonantlar)، صامتهای بی‌واک (ünsüz konsonantlar).

صامتهای واکدار عبارتند از: z, y, v, r, n, m, l, j, ğ, g, d, c, b.

صامتهای بی‌واک عبارتند از: t, ş, s, p, k, h, f, ç.

به خاطر سپردن صامتهای بی‌واک اهمیت زیادی دارد که در بخش «واکدار و بی‌واک شدن صامتها» بیشتر بدان خواهیم پرداخت. برای فراگیری صامتهای بی‌واک کافی است عبارت «کفش ته چسپ» را حفظ کنید. همان گونه که می‌بینید تمام صامتهای بی‌واک در این عبارت بکار رفته‌اند (p, s, ç, h, t, ş, f, k) و فراگیری آن نیز بسیار آسان است.

هماهنگی صامتها

هماهنگی صامتها بر پایه واکدار یا بی‌واک بودن صامتها قرار دارد. بدین ترتیب که اگر کلمه‌ای به صامت بی‌واک پایان یابد، پسوندی که بدان کلمه افزوده می‌شود نیز باید با صامت بی‌واک شروع شود و اگر کلمه‌ای به صامت واکدار پایان یابد، پسوندی که بدان کلمه افزوده می‌شود نیز باید با صامت واکدار شروع شود. مثال:

bal[Ⓢ] k[Ⓢ] (ماهی) + c[Ⓢ] → bal[Ⓢ] kç[Ⓢ] (ماهیگیر)

sokak[Ⓢ] (کوچه) + da → sokakta[Ⓢ] (در کوچه)

demir[Ⓢ] (آهن) + ci → demirci[Ⓢ] (آهنگر)

okul[Ⓢ] (مدرسه) + da → okulda[Ⓢ] (در مدرسه)

همان گونه که ملاحظه می‌کنید صامتهای آغازین پسوندها در دو مثال اول از حالت واکدار به حالت بی‌واک تبدیل شده‌اند. در ادامه مبحث به این موضوع بیشتر خواهیم پرداخت.

واکدار و بی‌واک شدن صامتها

در زبان ترکی صامتهای واکدار «b»، «c»، «d»، «g» در پایان کلمه نمی‌آیند و به جای این حروف از معادلهای بی‌واک آنها که به ترتیب عبارتند از «p»، «ç»، «t» و «k» استفاده می‌شود. مثال:

bulut (ابر)، ağaç (درخت)

این قاعده حتی در مورد کلمات مأخوذ از زبانهای دیگر نیز صدق می‌کند. مثال:

kitap (کتاب)، dert (درد)

هنگام افزودن پسوندی که با مصوت شروع می‌شود به کلماتی که مختوم به یکی از صامتهای بی‌واک

«ç»، «k»، «p» و «t» هستند، این صامتهای بی‌واک واکدار می‌شوند. بدین ترتیب که $c \rightarrow p$ ، $\varphi \rightarrow$

t d و $\check{g} \rightarrow k$. مثال:

dolap (کمد) + a → dolaba (به کمد)

kitap (کتاب) + n → kitabn (کتابت)

ağaç (درخت) + n → ağacn (درخت را)

ilaç (دارو) + n → ilacn (دارویت)

dört (چهار) + üncü → dördüncü (چهارمین)

dert (درد) + i → derdi (درد را)

çelik (فولاد) + i → çeliği (فولاد را)

sokak (کوچه) + n → sokağn (کوچه را)

ریشه‌های فعل تابع این قاعده نیستند، اما برخی از افعال استثناء هستند. مانند:

git (برو) + i + yor → gidiyor (می‌رود)

et (کن) + i + yor → ediyor (می‌کند)

güt (مراقب باش) + ü + yor → güdüyor (مراقب است)

اگر کلمه‌ای به «nk» پایان یابد صامت «k» نه به «ğ» بلکه به «g» تبدیل می‌شود. مثال:

çelenk (تاج گل) + i → çelengi (تاج گل را)

renk (رنگ) + i → rengi (رنگ را)

ahenk (آهنگ) + i → ahengi (آهنگ را)

هنگام افزودن پسوندی که با یکی از صامتهای واکدار «d» و «c» شروع می‌شود به کلمه‌ای که به یکی

از صامتهای بی‌واک «ç»، «p»، «k» و «t» پایان می‌یابد، صامت آغازین پسوند بی‌واک می‌شود، یعنی به

معادل بی‌واک خود تبدیل می‌شود. مثال:

dolap (کمد) + dan → dolaptan (از کمد)

ağaç (درخت) + dan → ağaçtan (از درخت)

kitap (کتاب) + da → kitapta (در کتاب)